



پژوهشکده شورای نگهبان

مشرح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۶۱/۲/۸ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۲۷

تاریخ: ۱۳۹۷/۹/۶



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

**مشروح مذاکرات شورای نگهبان
جلسه مورخ ۱۳۶۱/۲/۸ شورای نگهبان**

ویراستار و مستندساز:

سید محسن طاهری

ناظر علمی:

دکتر محمد بهادری جهرمی

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۷۰۰۲۷

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۹/۶

پژوهشکده شورای نگهبان



جلسه مورخ ۸/۲/۱۳۶۱ شورای نگهبان

فهرست مطالب

۲مقدمه
۳ طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب به دادگستری جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفساریه‌های مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای آحاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب به دادگستری جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۶۰/۳/۲۶

آقای مهرپور: این بند (۶)^(۱) به آن [پنج بند ماده (۲) آیین‌نامه‌ی دادگاه‌ها و دادرسی‌های

۱. «طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب به دادگستری جمهوری اسلامی ایران» در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و مطابق با روند پیش‌بینی‌شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، برای رسیدگی و اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از نخستین بررسی، ماده‌ی (۲) این طرح را که قضات دادگاه‌های انقلاب را موظف می‌کرد «در صورت نبودن قانون مصوب شورای انقلاب یا مجلس شورای اسلامی، طبق فتاوی امام (مد ظله) یا منابع معتبر دیگر اسلامی که از جانب شورای عالی قضایی ابلاغ می‌گردد، عمل نمایند، مغایر اصل (۱۶۷) قانون اساسی» تشخیص داد. پس از اظهار نظر شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی با اصلاح طرح، به دادگاه‌های انقلاب اسلامی اجازه داد «در مواردی که قانون مدون وجود نداشته باشد، تا تدوین قوانین جزایی، مطابق کتب قصاص و دیات و حدود تحریرالوسیله امام خمینی عمل نموده و حکم قضیه را صادر نمایند». در این اصلاحیه همچنین شورای عالی قضایی موظف شد حداکثر تا شش ماه پس از تصویب این طرح قانونی، لوائح مورد لزوم دادگاه‌های انقلاب را به مجلس شورای اسلامی برای تصویب ارائه کند. شورای نگهبان در بررسی این اصلاحیه، با «نظر به اینکه کتاب تحریرالوسیله به زبان عربی است و طبق اصل (۱۵) قانون اساسی زبان رسمی کشور فارسی است و متون رسمی باید به زبان فارسی باشند»، آن را مغایر قانون اساسی برشمرد و ذیل تبصره‌ی (۴) مصوبه را نیز که «پس از برشمردن اعمال ضدانقلاب و آنها را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دادن»، مجازات مشخصی برای اعمال مزبور تعیین نکرده و به قانون خاصی هم ارجاع نداده و صرفاً مقرر کرده بود «حکم مقتضی طبق احکام اسلام صادر می‌شود»، مغایر اصل (۳۶) قانون اساسی تشخیص داد. مجلس شورای اسلامی در اصلاحیه‌ی بعدی طرح، ترجمه‌ی فارسی تحریرالوسیله را مبنای صدور حکم در جرایم مربوط به حدود و قصاص و دیات قرار داد، ولی شورای نگهبان معتقد بود «چون طبق ماده، تحریرالوسیله بالخصوص قانونیت پیدا می‌کند، باید طبق اصل (۱۵) ترجمه فارسی آن متن قانونی باشد و ترجمه آن تصویب شده باشد و با توجه به اینکه تحریرالوسیله ترجمه نشده و به تصویب نرسیده، اشکال مغایرت با قانون اساسی به حال خود باقی است و باید مرتفع شود و عمل بدان در قانون صریحاً الزامی شود». مجلس شورای اسلامی سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۳۱ ماده‌ی مربوط به تعیین تحریرالوسیله به‌عنوان مبنای صدور حکم در برخی موارد را از طرح یادشده حذف کرد، اما این تغییر نیز نظر شورای نگهبان را تأمین نکرد. این شورا با این استدلال که «در ماده یک این طرح قید شده که دادرسی‌ها و دادگاه‌های انقلاب به‌عنوان بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی ایران باید طبق مصوبه مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب عمل نماید و در آن مصوبه شرایطی منظور شده که بخشی از آنها فعلاً غیرقابل اجرا است و پاره‌ای از آنها در برخی موارد موجب توقف حکم قضات شرع خواهد شد و به‌علاوه با حذف ماده (۲) قبلی، مأخذ قانونی مشخص که مورد استناد دادگاه‌های انقلاب

انقلاب]^(۱) اضافه شده است.

آقای صافی گلپایگانی: «بند (۶) - رسیدگی به جرایم مربوط به حدود و قصاص و دیات و مشروبات الکلی و مواد مخدر در صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب است.»

آقای رضوانی: این را هم به آن پنج بند اضافه کرده‌اند.

آقای مهرپور: آیین‌نامه‌ی دادگاه انقلاب را بخوانم؟

آقای صافی گلپایگانی: بخوانید.

آقای مهرپور: بسم‌الله الرحمن الرحیم. (ماده (۱) - به‌منظور رسیدگی به جرایمی که قبل از پیروزی انقلاب برای تحکیم رژیم پهلوی و ایجاد و حفظ نفوذ بیگانگان صورت گرفته است یا پس از پیروزی انقلاب بر ضد انقلاب اسلامی ملت ایران روی داده یا

→

قرار گیرد، تعیین نشده است»، مصوبه را «مغایر موازین شرع و قانون اساسی» دانست.

بدین ترتیب «طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب به دادگستری جمهوری اسلامی ایران» پس از چهار مرحله رد و بدل شدن میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، نظر این شورا را تأمین نکرد و از دستور کار مجلس خارج شد. در نهایت هم پس از تصویب «قانون حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب» در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۱، «طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب ...» موضوعیت خود را از دست داد. آنچه از مذاکرات شورای نگهبان در مراحل نخست بررسی طرح در دسترس بوده، در کتاب مشروح مذاکرات شورای نگهبان دوره اول - سال ۱۳۶۰ منتشر شده است و آنچه اکنون از نظر خوانندگان می‌گذرد، مذاکرات مربوط به اولین جلسه از دو جلسه‌ی شورای نگهبان در آخرین مرحله‌ی بررسی مصوبه است.

۱. ماده‌ی (۲) «آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب» مصوب ۱۳۵۸/۴/۲۷ شورای انقلاب اسلامی: «رسیدگی به جرایم زیر در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب اسلامی است:

۱- قتل و کشتار به‌منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم ایران به‌آمریت و مباشرت.
۲- حبس و شکنجه مردم مبارز به‌آمریت و مباشرت.

۳- جنایات بزرگ اقتصادی یعنی غارت بیت المال و یا اتلاف ثروت کشور به نفع بیگانگان.

۴- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران با اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات و جاسوسی به نفع اجانب.

۵- سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، ساختن، وارد کردن یا پخش مواد مخدر.

تبصره - رسیدگی به جرایم خارج از موارد مشروحه فوق در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب اسلامی نیست و در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری یا نظامی می‌باشد.

در حوزه هر دادرای انقلاب اسلامی یک دادگاه انقلاب تشکیل می‌شود.

دادگاه در صورت لزوم شعبه‌های متعدد خواهد داشت و در این صورت ارجاع پرونده به سایر شعبه‌ها با رئیس شعبه اول است.»

می‌دهد، به دستور رهبر انقلاب اسلامی ایران در مرکز هر استان یک دادسرای انقلاب اسلامی و به تعداد لازم دادگاه تشکیل می‌شود.»

آقای صانعی: اجازه می‌فرمایید که قبل از خواندن ایشان یک جمله‌ای عرض کنم؟ اگر مجلس بخواهد قانون شورای انقلاب را قانون کند، وقتی که آن خلاف باشد و شما [به آن مصوبه ایراد داشته باشید] می‌توانید به این [مصوبه‌ی مجلس هم] اشکال کنید؛ ولی اگر مجلس نخواهد این کار را بکند، بلکه این را بیاورد برای اینکه پشت سر آن را اعلام کند، شما اگر اعتراضی هم داشته باشید، به آن [= قانون شورای انقلاب] دارید و به این قانون [مجلس] اعتراض ندارید.

آقای مهرپور: حالا اینکه اعتراض نیست.

آقای صافی گلپایگانی: جوابش این است که می‌گوید: «زیر نظر شورای عالی قضایی اداره می‌شود و طبق مصوبه شورای انقلاب به این قانون عمل خواهد کرد». پس الآن این [مصوبه‌ی شورای انقلاب] خودش [دارد] قانونیت هم پیدا می‌کند.

آقای صانعی: می‌دانم. یعنی آنها را قانون می‌کند؟

آقای صافی گلپایگانی: بله، هست و حالا هم انجام می‌دهند.

آقای صانعی: این می‌خواهد بگوید که این‌طور عمل می‌کنند ...

آقای مهرپور: آن را نسخ نکرده است. [ادامه‌ی ماده (۱) آیین‌نامه؛] تبصره - «در استان‌هایی که هم‌اکنون بیش از یک دادسرای انقلاب هست، دادستان کل انقلاب باید برای تقلیل آنها به یک دادسرا اقدام کند.» البته اینها جزء مواد متروکه بوده که عمل نکرده‌اند. حالا [در اصلاحیه‌ی اخیر مجلس] این بند (۶)^(۱) دنباله‌ی بند (۵) [قانون شورای انقلاب] اضافه شده که صلاحیت‌ها را یک مقدار بیشتر کرده. صلاحیت‌ها پنج بند بود که این بند (۶) اضافه شده

یکی از اعضا: خب، بقیه‌اش چطور؟

آقای محسن هادوی: خود این دادگاه‌های انقلاب چه جور باید تشکیل بشود؟

آقای مهرپور: تبصره - «رسیدگی به جرایم خارج از موارد مشروحه فوق در صلاحیت

۱. بند (۶) ماده (۱) «طرح قانونی الحاق دادگاه‌های انقلاب به دادگستری جمهوری اسلامی ایران: «رسیدگی به جرایم مربوط به حدود و قصاص و دیات و مشروبات الکلی و مواد مخدر در صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب است.»

دادگاه‌های انقلاب اسلامی نیست و در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری یا نظامی می‌باشد. در حوزه هر دادرسی انقلاب اسلامی یک دادگاه انقلاب تشکیل می‌شود. دادگاه در صورت لزوم شعبه‌های متعدد خواهد داشت و در این صورت ارجاع پرونده به سایر شعبه‌ها با رئیس شعبه اول است.^(۱)

موضوع آن منتفی است. البته به اینها عمل نمی‌شود.

آقای محسن هادوی: قانون می‌گوید مطابق این عمل بکنند. خب اگر عمل نمی‌کنند که دیگر قانونی نیست.

آقای صانعی: دور می‌شود اگر قانونیت متوقف بر عمل [کردن به قانون باشد].

آقای محسن هادوی: خلاف شرع هم در آن هست.

آقای مهرپور: «ماده (۴) - دادگاه انقلاب مرکب از سه عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل خواهد بود. اعضای اصلی عبارتند از:

الف- یک قاضی شرع به پیشنهاد شورای انقلاب اسلامی و تصویب امام.

ب- یک قاضی دادگستری به انتخاب قاضی شرع.

ج- یک نفر مورد اعتماد مردم و آگاه به مقتضیات انقلاب اسلامی با تعیین شورای انقلاب یا کسی که شورا برای این منظور معین کند.

تبصره (۱) - اعضای علی‌البدل از میان اشخاص واجد صلاحیت در ماده (۴) انتخاب خواهند شد.

تبصره (۲) - هیچ‌ک از اعضای دادگاه نباید کمتر از سی سال خورشیدی داشته باشد.

تبصره (۳) - دادگاه می‌تواند پس از تعیین اعضای اصلی کار خود را آغاز کند.

ماده (۵) - ریاست دادگاه بر عهده قاضی شرع خواهد بود.

ماده (۶) - کیفرخواست باید حداقل سه روز قبل از تشکیل دادگاه به متهم یا وکیل او

کتباً ابلاغ شود.»

من حالا می‌خواهم یک چیز دیگر خدمت شما عرض کنم. می‌دانید که این طرح تا حالا سه بار ردّ و بدل شده است. در جواب‌های قبلی گفتیم که اینها اشکال ندارد و فقط مسئله بر سر ماده‌ی مربوط به تحریر الوسیله‌ی امام بود که آن را هم حذف کردند. بقیه را گفتیم اشکال ندارد. تمام شد و رفت.

۱. تبصره‌ی ماده‌ی (۲) «آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب».

آقای صافی گلپایگانی: همین طور است؛ بحث‌های دیگر خارج از موضوع است.

آقای محسن هادوی: چرا آقای شبیه می‌کنید؟! [مفاد طرح] فرق کرده است.

آقای مهرپور: هیچ فرقی نکرده. آقا! سوابق را ملاحظه بفرمایید؛ در ماده‌ی (۲) نوشته شده بود که در دادگاه‌های انقلاب طبق تحریرالوسیله عمل می‌کنند. بعد ما نوشتیم که چون تحریرالوسیله عربی است، نمی‌شود.^(۱) بعد آمدند نوشتند: طبق ترجمه‌ی تحریرالوسیله [عمل کنند و] جواب دادیم که بالأخره ترجمه باید بیاید و به صورت قانون تصویب بشود. نمی‌شود همین‌جوری گفت طبق ترجمه تحریرالوسیله. این برگشته بود به مجلس و مانده بود که ترجمه بکنند و بیایند تصویب بکنند. حالا آمده‌اند گفته‌اند آن را حذف می‌کنیم.

یعنی نتیجه‌ی این قانون که الآن تصویب می‌شود، یکی تثبیت این است که این [دادگاه‌های انقلاب] جزء دادگستری است و دیگری صلاحیت دادن به آنها است تا در این امور بتوانند رسیدگی کنند. خوب این [امور] طبق آن مصوبه در صلاحیت دادگاه نبود. ایرادی که ما گرفتیم بر سر آن قسمت [تحریرالوسیله] بود و آن هم الآن حذف شده. بقیه‌اش را دیگر ما موافقت کرده بودیم و مخالفتی نداشتیم.

آقای صافی گلپایگانی: اگر در اینکه ایشان می‌فرمایند، اشکالی دارید، بفرمایید.

آقای محسن هادوی: من هم در این اشکال دارم و هم در مورد دیگر ...

آقای صافی گلپایگانی: خوب، همین را بگویید تا بعد.

آقای محسن هادوی: بسم الله الرحمن الرحیم. اشکال این است که دستگاه قضایی که الآن می‌خواهد مورد تأیید قرار بگیرد، مطابق شرع نیست؛ به اعتبار اینکه قاضی در شرع یک نفر است^(۲) و در اینجا سه قاضی معین کرده‌اند.

آقای صافی گلپایگانی: آن، بله.

۱. بنا بر اصل (۱۵) قانون اساسی، اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی کشور باید به خط و زبان فارسی باشد.

۲. چنان‌که در ادامه‌ی مذاکرات خواهد آمد، برخی از فقها قضاوت را فردی می‌دانند و تعدد قاضی را شرعی نمی‌دانند که از آن میان از قدما به علامه‌ی حلی (ارشاد الازدهان الی احکام الایمان، ج ۲، ص ۱۳۹) و از معاصران به آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی (القضاء؛ تقریرات درس آیت‌الله گلپایگانی، ج ۱، ص ۱۱۶) و آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی (جامع‌المسائل (استفتائات)، ج ۱، ص ۴۸۴) می‌توان اشاره کرد. برخی دیگر اما قائل به جواز قضای شورایی هستند که محقق حلی (شرایع، ج ۴، ص ۶۲)، شهید ثانی (مسالک‌الافهام، ج ۱۳، ص ۳۵۵) و امام خمینی (ره) (رساله‌ی نوین، ج ۴، ص ۲۹۲) و آیت‌الله موسوی اردبیلی (فقه‌القضاء، ص ۱۷۵-۱۷۶) از آن جمله‌اند.

آقای محسن هادوی: این را قبول دارید یا ندارید؟

آقای صانعی: بنده قبول ندارم.

آقای محسن هادوی: بالأخره بعضی‌ها قبول می‌کنند و بعضی‌ها قبول نمی‌کنند. الآن ما در اینجا داریم یک دستگاه قضایی برای اسلام تعیین می‌کنیم. یعنی داریم برای کشور اسلامی مطابق اسلام دستگاه قضایی تعیین می‌کنیم. اولاً در اینجا به قانون شورای انقلاب استناد کرده‌اند و گفته‌اند دادگاه‌هایی که طبق این قانون تشکیل می‌شود، اسلامی است و جزء دادگستری اسلامی قرار خواهد گرفت. به شرحی که در این قانون گفته شده، در این دادگاه‌ها سه نفر شرکت می‌کنند. از این سه نفر ممکن است یکی بازاری باشد یا کاسب یا معتمد محل، یکی از آنها قاضی غیرشرعی و یکی هم قاضی شرعی است. این سه نفر باید بنشینند و با هم تبادل نظر کنند و رأی بدهند و نظر اکثریت را تصویب کنند. فکر نمی‌کنم دستگاه قضایی اسلامی چنین قضاوتی را قبول بکند. این یک مطلب. مطلب دوم اینکه این قانون به این مسئله اشاره کرده که آن دستگاه قضایی که آنجا بوده الآن باید بیاید به این جرایم رسیدگی بکند. این جرایمی را که می‌خواهد در اینجا رسیدگی بکند، باید طبق قانون اساسی روشن باشد که جرم چیست و مجازاتش چیست. اینکه صرفاً بگویند [رسیدگی] به کلیه جرایم در اختیار آنها قرار می‌گیرد، مطابق قانون اساسی نیست. مطابق دو اصل [(۳۲) و (۳۶)] قانون اساسی که گفته است هم جرم باید معین باشد و هم مجازات آن، نیست. به این دلایل من این [مصوبه را با قانون اساسی مغایر می‌دانم].

آقای آراد: بسم الله الرحمن الرحیم. به نظر بنده غیر از اشکالی که از جهت قانون اساسی از جهت شرع اسلام - البته آقایان بهتر می‌دانند - به نحوه تشکیل دادگاه‌های انقلاب وارد است، بند (۶) [مصوبه مجلس] می‌گوید: «رسیدگی به جرایم مربوط به حدود، قصاص، دیات و مشروبات الکلی و مواد مخدر در صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب است.» الآن دادگاه انقلاب اسلامی دارد به دادگستری منضم می‌شود که مرجع تظلمات عمومی است. یعنی دارد یک صورت قانونی منطبق با قانون اساسی پیدا می‌کند. این قوانینی که راجع به محاکم، دادگاه‌های انقلاب یا دادگستری تصویب می‌شود، نباید با اصول قانون اساسی مربوط به قوه قضائیه مخالفت و مغایرتی داشته باشد. وقتی که این بند (۶) را می‌بینیم، منظور این است که به اصول مربوط به قوه قضائیه مراجعه نکنیم. بند (۶) می‌گوید: «رسیدگی به جرایم مربوط به حدود، قصاص، دیات و مشروبات الکلی و مواد مخدر در صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب است؛ ما می‌دانیم که چه

جرمی مستوجب قصاص است، چه جرمی مستوجب حد است و چه جرمی مستوجب تعزیر. اینها را در شرع مقدس اسلام بیان کرده‌اند، ولی قصاص ... خدا مرحوم دکتر بهشتی را رحمت کند. زحمت کشیدند تا این لایحه قصاص تهیه شد، ولی هنوز آنجا مانده و طبق این قانون اساسی، این قصاص [هنوز] صورت قانونی پیدا نکرده. حالا ببینیم که اصل (۱۶۶) قانون اساسی چه می‌گوید؟ آیا این بند (۶) را این‌طور که اینها نوشته‌اند قبول می‌کند یا نه؟ طبق اصل (۱۶۶) «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است»؛ احکام دادگاه‌ها که در اینجا می‌گوید، دادگاه انقلاب هم دادگاه می‌شود. ما نمی‌توانیم بگوییم که دادگاه نیست. نه، دادگاه می‌شود. جزء دادگستری می‌شود و مرجع تظلمات عمومی. می‌گوید احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی باشد. حالا ببینیم دادگاه انقلاب که می‌خواهد به قصاص رسیدگی بکند، طبق کدام ماده [= قانون] می‌خواهد درباره‌ی قصاص حکم صادر کند و مجازات تعیین کند؟

یکی از اعضا: طبق قرآن.

آقای آراد: نه، این نشد. باید ماده‌اش را پیدا کند. قرآن ماده ندارد. اصل (۱۶۷) قانون اساسی می‌گوید: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد ...»؛ قانون اساسی اصلاً حکم می‌کند که تمام قوانین باید مدون باشد و اصل بر این است که قاضی بر طبق قوانین مدون حکم می‌کند. ولی در بند (۶) هیچ قانون مدونی وجود ندارد. [بند (۴)] اصل (۱۵۶) قانون اساسی هم می‌گوید از وظایف قوه‌ی قضائیه است «۱- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام»؛ اینها باید مدون باشد. این قصاص و حدود طبق موازین اسلامی باید مدون بشود. اینها مدون نشده‌اند. اصل (۳۶) قانون اساسی می‌گوید: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» بنابر این اصل، فرقی بین دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه‌ی امور اصناف و دادگاه جنایی و دادگستری و ارتش و غیره وجود ندارد و دادگاه‌ها باید طبق قانون برای مجرمین مجازات تعیین کنند.

به نظر این جانب این بند (۶) یک بند بسیار مبهمی است و بنده مختصراً عرض کردم که با اصول قانون اساسی کاملاً مغایر است. والسلام علیکم ورحمة‌الله.

آقای صافی گلپایگانی: بنده از روز اول عرض کردم که من نمی‌گویم که تحریرالوسیله اگر ترجمه نشده است، تحریرالوسیله نیست. اصلاً بنده مخالف این بودم که [بگویند

زبان] باید فارسی باشد. [اینجا هم] بنده می‌گویم که اگر چنانچه برای یک دادگاه در بعضی از جرایم یا در کل جرایم، قانون مدونی نباشد، اگر ما گفتیم رسیدگی به این جرایم در صلاحیت آن دادگاه است، اینجا بحث تشخیص صلاحیت است. دادگاه وقتی که می‌خواهد رأی بدهد می‌بیند که در این مورد قانونی وجود ندارد؛ اینجا باید یک تصمیمی بگیرد؛ یا به شورای عالی قضایی اطلاع بدهد، یا هر کاری که می‌خواهد، بکند. ولی مسئله‌ی تعیین صلاحیت دادگاه‌ها با مسئله‌ی تعیین مجازات جرایم ارتباطی ندارد و این به نظر من مسئله‌ای نیست.

آقای صانعی: بسم الله الرحمن الرحيم. من با یک جمله فرمایش حاج آقای صافی را تقریر کنم و بعد به سراغ عرض خودم بروم. این اصولی که جناب آقای دکتر آراد به آن اشاره فرمودند و خواندند، مربوط به مقام اجرا و انجام وظیفه‌ی قاضی است، نه مقام قانون‌گذاری؛ اینکه قاضی بدون مدرک نمی‌تواند مجازات کند و باید حکم را مستند به قانون کند. ما فعلاً داریم می‌گوییم که این دادگاه‌ها برای این جور کارها در اختیار دادگستری است؛ بعد که قاضی می‌آید، نمی‌تواند عمل کند. حداکثر ممکن است کسی این اشکال را بکند که آقا، جعل چنین قانونی لغو است؛ برای اینکه قانونی را می‌گذرانید که قاضی نمی‌تواند به آن عمل کند. جواب این هم واضح است؛ فعلاً این را تصویب می‌کنند و بعد از چند ماه لوائح دیگر آن را هم می‌آورند. بنابراین، به عقیده‌ی بنده این اشکالات جناب آقای دکتر آراد وارد نیست. اشکال ایشان در مقام اجرا است، اما ما در مقام صلاحیت هستیم؛ همان‌طور که ایشان [= آقای صافی] فرمودند.

اما [درباره‌ی] اینکه آقای دکتر هادوی فرمودند خلاف شرع است، با عرض معذرت می‌خواهم یک جمله عرض کنم و آن اینکه ما نباید فوری بگوییم که خلاف شرع است؛ چون خود این گفتن «خلاف شرع است»، مسئولیت دارد و گاهی وقت‌ها خودش خلاف شرع است. یک مقدار بیشتر دقت کنیم. ایشان اینجا فرمودند که قضای شورایی خلاف شرع است. خب، می‌توانستند بفرمایند که نظر برخی از مراجع تقلید چنین است. به نظر من آن هم کافی نیست و باز ممکن است [هم می‌توانم بگویم] که من قضای شورایی را قبول دارم. من کاری به این بحث ندارم. ولی اینجا اصلاً قضای شورایی [مطرح] نیست. شکل قضا شورایی است. [ماده‌ی (۱۱) آیین‌نامه‌ی دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب] می‌گوید: «پس از قرائت کیفرخواست و استماع مدافعات متهم و

وکیل او، دادگاه هر تحقیقی را که برای ثبوت شرعی جرم لازم بداند، به عمل می آورد و چنانچه ... « چنانکه ... »؛ این جمله ای که ایشان فرمودند، معنایش این است که کل این احکامی که تا حالا انجام گرفته خلاف شرع است. لازمه اش این است.

آقای صافی گلپایگانی: نه، «و چنانچه در پرونده نقضی مشهود گردد، به دستور رئیس دادگاه پرونده به دادرسی اعاده می شود و پس از رفع نقص، دادگاه پس از مشاوره طبق موازین اسلام به صدور رأی مبادرت می کند. رأی اکثریتی که در آن رئیس دادگاه شرکت دارد، مناط اعتبار است». معیار، رأی رئیس دادگاه است. اکثریت صوری است. رئیس دادگاه هم قاضی شرع است. خب، این درست نیست. این می گوید که رأی اکثریتی که ...

آقای صانعی: اجازه بدهید بعدی را بخوانیم؛ «اگر چنین اکثریتی حاصل نشود، دو قاضی شرع به قاضیان اصلی اضافه می شوند و رأی اکثریت این دادگاه قطعی است.»

آقای صافی گلپایگانی: این همان لیبرالی است.

آقای صانعی: شکلش لیبرالی است، نه اینکه ...

آقای صافی گلپایگانی: نه، خودش عین لیبرالی است.

آقای صانعی: من دیگر عرضی ندارم.

آقای صافی گلپایگانی: در مجلس خبرگان [قانون اساسی] هم بحث ...

آقای مهربور: نوبت من است.

آقای صافی گلپایگانی: شما می فرمایید که اینها همه خارج از موضوع است.

آقای جنتی: موضوع را مشخص کنید که این است یا آن است. شما می خواهید روی

این بحث بکنید یا روی آن؟

آقای محسن هادوی: روی سابقه اش هم می خواهند بحث کنند دیگر.

آقای صافی گلپایگانی: موضوع همین است. اینکه شما می فرمایید، کار نداریم به اینکه

در اصل صحیح باشد، ولی اینکه در اینجا رأی داده شده و فرستاده شده است، از این

مسئله گذشته اند و اکثریت این است؛ و الا مسئله همان است که شما می فرمایید. آن

باید این طور بشود. حالا این روی این آمده که نوشته اند ...

آقای مهربور: اجازه بدهید که یک مرور اجمالی بکنیم. اگر یادتان باشد، این طرح در

مجلس به صورت یک فوریتی مطرح بود و ما هم حضور داشتیم. ماده ی اصلی آن همین

بود که دادرسیها و دادگاه های انقلاب جزء دادگستری است؛ ماده ی یک این بود:

«دادسراها و دادگاه‌های انقلاب بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی ایران است و زیر نظر شورای عالی قضایی اداره می‌شود و طبق مصوبه مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب و این قانون عمل خواهند کرد.» ماده‌ی (۲) هم این بود: «به دادگاه‌های انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود در مواردی که قانون مدون وجود نداشته باشد تا تدوین قوانین جزایی، مطابق کتب قصاص و دیات و حدود تحریرالوسیله امام خمینی عمل نموده و حکم قضیه را صادر نمایند.» ماده‌ی بعد هم می‌گفت که شورای عالی قضایی باید ظرف شش ماه [لوايح مورد لزوم دادگاه‌های انقلاب را] تهیه کند و در ماده‌ی دیگر هم آمده بود: «در مواردی که مربوط به نقص عضو و اعدام است، کیفرخواست باید در حضور مجتهد عادل مطرح بشود.»

ما جواب دادیم: «ماده (۲) طرح قانونی مزبور که قضات دادگاه‌های انقلاب را مکلف می‌نماید در صورت نبودن قانون مصوب شورای انقلاب یا مجلس شورای اسلامی طبق فتاوی امام (مدظله) یا منابع معتبر دیگر اسلامی که از جانب شورای عالی قضایی ابلاغ می‌گردد عمل نمایند، مغایر اصل (۱۶۷) قانون اساسی شناخته شد. سایر موارد و تبصره‌ها مغایرتی با موازین شرعی و قانون اساسی ندارد. بدیهی است اعمال ضدانقلاب که رسیدگی به آنها در تبصره یک ماده (۲) در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب گذاشته شده، باید طبق قانون موارد آن مشخص و مجازاتش تعیین گردد.»^(۱) ما می‌گفتیم که قاضی باید خودش بگردد و حکم را پیدا کند؛ نه اینکه او را ملزم کنند که از فلان منبع استفاده کند. بعد اینها آمدند یک تبصره اضافه کردند [به این شرح]: «بند (۶) - رسیدگی به جرایم مربوط به حدود و قصاص و دیات و مشروبات الکلی و مواد مخدر در صلاحیت دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب است.»

ماده‌ی (۲) هم این‌طور شد که «به دادگاه‌های انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود که در موارد حدود و قصاص و دیات مطابق ترجمه‌ی تحریرالوسیله عمل کنند.» یک تبصره هم داشت که [بر اساس آن برخی از] اعمال ضدانقلابی دیگر را هم دادگاه انقلاب رسیدگی می‌کند. جوابی که ما دادیم، این بود: «ماده (۲) طرح مزبور که به دادگاه‌های انقلاب اجازه می‌دهد به کتاب تحریرالوسیله امام مراجعه نموده و طبق آن حکم دهند،

۱. نظر شماره‌ی م/۲۷۳۷ مورخ ۶۰/۳/۳۰، مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی دوره اول (خرداد ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۳)، ص ۵۳۸.

نظر به اینکه کتاب *تحریر الوسیله* به زبان عربی است و طبق اصل (۱۵) قانون اساسی زبان رسمی کشور فارسی است و متون رسمی باید به زبان فارسی باشند، از این حیث مغایر قانون اساسی است.»^(۱)

این جهات را در نظر بگیرید [تا معلوم شود] که ایرادات ما چیست.

یکی از اعضا: [پس باید] قرآن هم باید ترجمه بشود.

آقای مهرپور: [ادامه‌ی نظر شورا:] «ذیل تبصره‌ی (۴) نیز که پس از برشمردن اعمال ضدانقلاب و آنها را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دادن، مقرر داشته "حکم مقتضی طبق احکام اسلام صادر می‌شود"، چون مجازات اعمال مزبور مشخصاً تعیین نشده و به قانون خاصی هم ارجاع نگردیده، با اصل (۳۶) قانون اساسی مغایرت دارد. حالا این [مطلب] دیگر در این مصوبه نیست. در مصوبه‌ی قبلی چیزهایی [بود که آنها] را حذف کرده‌اند. در مرحله بعد گفته‌اند باید طبق ترجمه عمل شود و ماده‌ی (۲) این‌طور شده است: «به دادگاه‌های انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود در موارد حدود و قصاص و دیات مطابق ترجمه فارسی *تحریر الوسیله* امام خمینی عمل نموده حکم قضیه را صادر نمایند».

آن قسمتی را هم که اعمال ضدانقلابی دیگری را برشمرده بود و ما اشکال کردیم، حذف کرده‌اند. بعد ما آمدیم دوباره این اشکال را کردیم:^(۲) «عطف به نامه شماره ۹۷۱ - ق مورخ ۱۳۶۰/۵/۲۱، اشکال شورای نگهبان در اظهار نظر دوم مبنی بر این است که چون طبق ماده، *تحریر الوسیله* بالخصوص قانونیت پیدا می‌کند، باید طبق اصل (۱۵) ترجمه فارسی آن متن قانونی باشد و ترجمه آن تصویب شده باشد و با توجه به اینکه *تحریر الوسیله* ترجمه نشده و به تصویب نرسیده، اشکال مغایرت با قانون اساسی به حال خود باقی است و باید مرتفع شود و عمل بدان در قانون صریحاً الزامی شود».

یکی از اعضا: چه کسی این را امضا کرده است؟

یکی از اعضا: اکثریت شورای نگهبان.

آقای مهرپور: این جریان را تا اینجا طی کرده. و حالا بعد از همه‌ی اینها به این صورت درآمده است. بنابراین، بحث بر سر ماده‌ی (۲) بود که آن را حذف کرده‌اند و بقیه‌اش هم گفتیم که مغایر موازین شرع و قانون اساسی نیست. اینکه مطابق

۱. نظر شماره‌ی ۲۹۴۴ مورخ ۱۳۶۰/۴/۲۰، مجموعه نظرات شورای نگهبان ...، ص ۵۴۰.

۲. نظر شماره‌ی ۳۳۷۷ مورخ ۱۳۶۰/۵/۲۶، مجموعه نظرات شورای نگهبان ...، ص ۵۴۱.

تحریرالوسیله باشد را حذف کرده‌اند.

اما راجع به این آیین‌نامه هم من باید توضیح بدهم. اینجا آمده که طبق آیین‌نامه‌ی مصوب مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب، تا آنجایی که در ذهنم هست، بعد از آیین‌نامه‌ی اولی که منتشر شد و به دادگاه‌ها دادند، دادگاه انقلاب یک آیین‌نامه‌ای تصویب کرد - گمان می‌کنم که این همین است که دولت ابلاغ کرد - و حتی از طریق دادگستری‌ها به دادستانی‌های انقلاب داده شد. من آن وقت یزد بودم، از طریق دادگستری دو آیین‌نامه برای ما آمد؛ یکی مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۷ که تشریفات دارد و ما می‌گوییم لیبرالی است و فلان ... اینها موافق نبودند و برای همین آیین‌نامه‌ی دیگری تصویب کردند و از طریق دادستانی کل زود هم ابلاغ شد. این آیین‌نامه یک مقدار فرق دارد.

آقای مهدی هادوی: هر دو اینجا هست.

آقای رضوانی: اینجا ۱۳۵۸/۳/۲۷ ذکر شده.

آقای مهرپور: می‌دانم؛ ولی این که ما الآن داریم می‌خوانیم، تاریخش ۱۳۵۸/۴/۲۷ است.

آقای رضوانی: خب، ببخود دارید آن را می‌خوانید.

آقای مهرپور: آن یکی در آن مجموعه نیست.

آقای مهدی هادوی: یکی آیین‌نامه‌ی دادگاه‌های فوق‌العاده‌ی انقلاب است ...

آقای مهرپور: نه، غیر از فوق‌العاده‌ی دادگاه انقلاب. این که اینجا هست.

آقای صافی کلپایگانی: آقا، چرا ببخود تبعید مسافت می‌فرمایید؟! اجازه بدهید که بنده یک کلمه عرض بکنم، این را واقعاً تصمیم بگیرید. به حسب صورت ظاهر، آن فرمایشی که ایشان می‌فرمایند، خارج از موضوع است. یعنی اشکالی بوده است که اکثریت گرفته بوده‌اند و آنها این اشکال را مرتفع کرده‌اند و بنابراین، ما دیگر نمی‌توانیم [دوباره به آن برگردیم].

آقای رضوانی: پس این مسئله‌ای است که اگر ما به این صورت ظاهری بخواهیم [مصوبه را بررسی کنیم]، دیگر حرفی ندارد. اگر کسی بخواهد بگوید که این اصلاحیه، خلاف قانون اساسی است یا خلاف شرع است، مسئله‌ی دیگری است، اما این چیزی هم که ایشان می‌گویند، خودش مسئله‌ای است؛ که اگر در یک قانونی این‌چنین شد و فرض کنید ما درباره‌ی مصوبه‌ای به اتفاق آرا گفته بودیم که خلاف شرع نیست، ولی حالا متوجه شده‌ایم که خلاف شرع است و اشتباه کرده‌ایم، [چه باید کرد؟]

آقای محسن هادوی: خب، برگردید.

آقای صافی گلپایگانی: ما اینجا نشستیم که اشتباه نکنیم. ما هم اشتباه می‌کنیم. اگر اشتباه کردیم، آیا این راهی دارد؟ نمی‌توانیم برگردیم و بگوییم که این [نظرمان] برخلاف آن است؟ دلیلش را هم می‌گوییم که این برای این است. آنها هم باید قبول کنند یا نه؟

آقای صانعی: قطعاً می‌توانیم برگردیم. روح قانون اساسی این را می‌گوید.

آقای صافی گلپایگانی: همین. ایشان هم همین را می‌گویند که طبق موازین قضایی اسلام، اجرای حدود و احقاق حقوق و همه‌ی اینها به اکثریت نیست؛ یعنی اگر پنج نفر قاضی مجتهد بودند و اینها آمدند رأی دادند، سه نفر از آنها به مجازات کسی شخص رأی دادند و دو نفر از آنها حکم به تبرئه داده‌اند دادند، یا برعکس، پذیرفته نیست؛ بلکه [قاضی] باید واحد باشد و آن قاضی واحد هم باید [حکم کند]. این چیزی که در اینجا گفته است، عیناً همان لیبرالی است. می‌گویند اکثریتی که قاضی [شرع] با آنها است، معتبر است^(۱) و بنابراین اگر چنانچه قاضی شرع در اقلیت بود، رأیش اعتباری ندارد.

آقای صانعی: من از کم‌لطفی حاج آقای صافی معذرت می‌خواهم. چون ایشان با اینکه همیشه حرف‌های دقیق و پرمحتوا می‌زنند، در این مورد عجله کردند. حد اکثریت چند نفر است؟ سه نفر است؛ قاضی دادگستری، قاضی شرع و مشاور؛ در [اینجا گفته‌اند که] اکثریتی معتبر است که رأی رئیس در آن باشد؛ یعنی رأی قاضی شرع. پس رأی آن دو نفر هیچ. اگر هم اکثریت حاصل نشود، قاضی شرع به قاضیان اصلی اضافه می‌شود و رأی اکثریت این دادگاه قطعی خواهد بود.

آقای صافی گلپایگانی: خوب، همین است. گوش ندادید.

آقای صانعی: قاضی شرع معیار است دیگر.

آقای مهدوی کنی: «اضافه می‌شود» یعنی چه؟

آقای صانعی: یعنی می‌رود به یک طرف. آن حالا نمی‌دانم چه جوری است.

آقای صافی گلپایگانی: عجب، من همین را می‌گویم.

۱. ماده‌ی (۱۱) آیین‌نامه‌ی دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب، مصوب ۱۳۵۷/۳/۲۷ شورای انقلاب:

«... رأی اکثریتی که در آن رئیس دادگاه شرکت دارد، مناط اعتبار است.

تبرئه (۱) - اگر چنین اکثریتی حاصل نشود، دو قاضی شرع به قاضیان اصلی اضافه می‌شوند و رأی اکثریت این دادگاه قطعی خواهد بود.»

آقای صانعی: ببینید، اصل این است که قاضی شرع همه کاره است.

آقای صافی کلپایگانی: نه، این نیست.

آقای مهرپور: چرا، بگذارید من توضیح بدهم. خیلی روشن است.

آقای افتخار جهرمی: [اجازه بدهید] اصل این مطلب تمام بشود. این بحث ربطی به این قانون [= مصوبه‌ی مجلس] ندارد.

آقای مهرپور: مگر سه نفر نیستند؟ در اینجا گفته‌اند: رأی اکثریتی که رئیس در میان آنها هست، مناط اعتبار است؛ یعنی دو نفر، که یکی از آنها حتماً رئیس باشد. حالا اگر این اکثریت حاصل نشد و مثلاً دو نفر [در یک طرف] بودند و رئیس در یک طرف دیگر، چه باید بکنند؟ اگر چنین اکثریتی حاصل نشود، دو قاضی شرع به قاضیان اصلی اضافه می‌شود؛ «و رأی اکثریت این دادگاه قطعی خواهد بود».

آقای صافی کلپایگانی: ربطی ندارد.

آقای مهرپور: دو سه قاضی شرع در آن هست!

آقای محسن هادوی: نه، ربط دارد.

آقای صافی کلپایگانی: خلاف شرع است.

آقای مهرپور: آقای صافی، اینها قبول نمی‌کنند. ما چه کار کنیم؟ من دارم می‌گویم [که به] این آیین‌نامه در دادگاه‌های انقلاب عمل نشده است. دولت با این [یکمی] موافق بود و برداشت این را ابلاغ کرد و بعد هم در اینجا درج کردند. از آن فتوایی گرفتند و به دادستانی کل فرستادند تا طبق آن عمل شود. خب، اگر خلاف شرع نباشد ...

آقای صانعی: آن چیست که ما داریم تعیین می‌کنیم؟

آقای مهرپور: بر اساس همین قانون، دادگاه‌های انقلاب سه سال است [که مشغول رسیدگی و صدور رأی هستند]. آقای جنتی و آقای هادوی بیشتر از ما در جریان بوده‌اند.

آقای جنتی: الآن می‌خواهید درباره‌ی این مصوبه بحث بکنید یا درباره‌ی مصوبه‌ی شورای انقلاب؟

آقای محسن هادوی: با هم ارتباط دارند.

آقای جنتی: درباره‌ی مصوبه‌ی شورای انقلاب باید بگویم که بنده شاید در بیش از دو‌یست جلسه‌ی دادگاه انقلاب بوده‌ام و حتی یک مورد هم مطرح نبوده و الآن هم طبق این روش عمل نمی‌شود. بنابراین، اگر بگویید که خلاف شرع است، بر ما لازم است که آن را لغو کنیم.

آقای رضوانی: این هم آن را نمی‌گوید.

آقای جنتی: اصلاً الآن آن هم مورد بحث ما نیست.

آقای محسن هادوی: پس کدام است؟

آقای افتخار جهرمی: جناب آقای دکتر آزاد، اولاً آن مسئله فعلاً ربطی به این ندارد. دادگاه‌های انقلاب به رأی اکثریت درست است یا درست نیست؟ به هر حال، رأی اکثریت هم درست باشد، آن ربطی به لیبرالیسم ندارد. کار به لیبرالیست ندارد.

آقای صافی گلپایگانی: نه، [درباره‌ی لیبرالیسم که] ما شوخی می‌کنیم.

آقای افتخار جهرمی: اما راجع به این مصوبه، هرچند که اینها راهی پیدا کرده‌اند و هدفشان هم این است که به دادگاه انقلاب برود و بدون قانون [مدون] اجرا شود، اما ما چاره‌ای هم جز این نداریم؛ قانون شرع باید اجرا شود و چه بهتر که به تدریج [و تا زمانی که قوانین مدون مربوط تصویب شود،] اجرا شود.

آقای صانعی: از این عبارت برمی‌آید که خارجاً این طور است.

آقای افتخار جهرمی: از این عبارت [چنین چیزی] در نمی‌آید.

آقای محسن هادوی: درمی‌آید.

آقای افتخار جهرمی: از این عبارت در نمی‌آید. با این قانون احتمالاً دادگاه‌های انقلاب به حدود و قصاص رسیدگی کنند. خوب، چه بهتر که فعلاً بر طبق شرع رسیدگی بشود تا بعد به تدریج ...

آقای محسن هادوی: قانون اساسی چطور؟ هیچ؟!

آقای افتخار جهرمی: آقای هادوی، ظاهر این مخالف قانون اساسی نیست. از نظر قانون اساسی این پرونده‌ها باید به دادسرای انقلاب ارجاع شود و آنها پرونده را نگه می‌دارند تا اینکه [تعریف جرم و مجازات‌ها] در مجلس تصویب شود.

آقای صافی گلپایگانی: در موضوع [مغایرت با] قانون اساسی آن کفایت مذاکرات [اعلام کنیم]. [قضای شورایی هم] حالا یک مسئله‌ای است که خودمان می‌گوییم. چیزی که به اینجا ارجاع شده، همین است.

آقای مهدی هادوی: بسم الله الرحمن الرحیم. آنچه امام بارها [بر آن] تأکید کرده‌اند، این است که قانون بر جامعه حاکم باشد. واقعاً اگر قانون نباشد، هرج و مرج پیش خواهد آمد. به نظر من [امام] این را برای تظاهر نگفته‌اند. این عقیده‌ی واقعی ایشان است و واقعاً هم

همین است. متأسفانه الآن بعضی قوانین را می‌گذارند که تظاهر به قانون داشتن است، نه اینکه واقعاً قانون باشد. و یکی از آن موارد هم همین است. من حالا اشکالاتی را که هست، می‌گویم. من می‌گویم که این قانون اساساً [آیا] از نظر قانونی قابل احترام است؟

آقای صافی کلپایگانی: شما در موضوع حرف بزنید. اینها را من می‌توانم بگویم.

آقای مهدی هادوی: اجازه بفرمایید، من می‌توانم مقدمه هم بگویم.

آقای صافی کلپایگانی: نه، در کل قانون حق ندارید.

آقای مهدی هادوی: [باید از این جهت] روشن بشویم که اصلاً از نظر قانونی قابل اجرا نیست.

آقای صافی کلپایگانی: می‌خواهد باشد، می‌خواهد نباشد. در مسئله‌ای که ما اظهار نظر کردیم و گفتیم مخالف قانون اساسی است و اینجا هم اکثریت شده است که این مخالف قانون اساسی نیست، در غیر آن دو مورد صحبت کنید.

آقای مهدی هادوی: مربوط به همین آیین‌نامه و همین قانون است؛ متنها این یک مقدمه‌ای است که دارم بیان می‌کنم. شما تحمل شنیدن ندارید؟!

آقای صافی کلپایگانی: خب، بفرمایید.

آقای مهدی هادوی: اولاً آیین‌نامه‌ی دادگاه انقلاب - که مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۷ است و آن بالا به اشتباه نوشته‌اند: ۱۳۵۸/۴/۲۷ - برای دادگاه سه قاضی معین کرده که یکی از آنها نماینده‌ی شورای انقلاب است و الآن اصلاً شورای انقلابی وجود ندارد. اگر الآن بخواهند این دادگاه را تشکیل دهند، نماینده‌ی شورای انقلاب از کجا بیآورند؟! اینها توجه نکرده‌اند که اقلأً این را درست کنند. این یک نفر که نماینده‌ی شورای انقلاب است الآن کجا است؟ شورای انقلاب کجا است که بیاید برای این دادگاه‌ها نماینده تعیین کند؟ پس این یکی که اساساً عملی نیست.

یک مورد دیگر اینکه، اگر این قانون بخواهد اجرا بشود بسیاری از این دادگاه‌ها باید منحل شود، به علت اینکه در آیین‌نامه‌ی دادگاه انقلاب تصریح دارد که این دادگاه‌ها فقط باید در مراکز استان تشکیل شوند و باز تصریح دارد که اگر در جای دیگری هست، باید منحل شود. یعنی شما فقط در چهارده مرکز استان می‌توانید چهارده دادگاه تشکیل بدهید و در تمام شهرستان‌ها و بخش‌ها باید دادگاه‌ها را منحل کنید.

آقای افتخار جهرمی: بیست و چهار مرکز.

آقای مهدی هادوی: این نشان می‌دهد که اصلاً واضعین این قانون توجه نداشته‌اند که باید

قانونی بگذرانند که قابل اجرا باشد. نتیجه‌اش چه می‌شود؟ بی‌قانونی. نتیجه‌اش این است که هر کسی در هر جایی، هر کاری که بخواهد، می‌کند. این دو اشکال از نظر عملی. ثلثاً در آن قانون گفته‌اند که احکام [باید] طبق موازین شرعی [صادر شود]. در آن موقع هم این [کار] درست بوده، چون قانون اساسی‌ای نبوده است. وقتی که قانون نبود، حتماً [ملاک و مستند احکام]، موازین شرعی است و [بنابراین این کارشان] بلااشکال بوده است؛ اما اگر امروز شما بخواهید این آیین‌نامه را تأیید کنید، برخلاف قانون اساسی است. در آن زمان لازم نبود که احکام شرعی مدون باشد، چون قانون اساسی نبود؛ اما امروز که ما می‌خواهیم طبق قانون اساسی نظر بدهیم، اگر مدون نباشد، نمی‌توانید [آن را] قبول کنید؛ همان‌طور که قبلاً هم رد کردید.

آقای صافی گلپایگانی: بگویید که کدام مخالف است؟ کجای آن با این مخالف است؟

آقای مهدی هادوی: خود شما تصویب کردید که باید مدون باشد.

آقای صافی گلپایگانی: نه، می‌دانم، حالا کجای این [طرح] با آنجا که گفته است مدون باشد، [مخالف است]؟

آقای مهدی هادوی: در آیین‌نامه‌ی دادگاه‌های انقلاب [نوشته شده است «طبق موازین شرعی»]. البته در آن موقع این درست بوده اما اگر شما بعد از [تصویب] قانون اساسی بخواهید آن را تأیید کنید، برخلاف قانون اساسی است.

آقای صافی گلپایگانی: یعنی قانون اساسی ناسخ است.

آقای مهدی هادوی: بله، این اشکال است. اما راجع به اینکه شما فرمودید این فقط تعیین صلاحیت [است. فرض کنیم که امروز این را تصویب کردید و پانزده روز دیگر ابلاغ شد. بالآخره] این جرایم به چه شکلی رسیدگی می‌شوند؟ مجازاتی برای آنها تعیین نشده است! بعد از پانزده روز چه باید بکنند؟

آقای صافی گلپایگانی: بله، این اشکال عملی است.

آقای مهدی هادوی: آن دادگاه [سابق] که [دیگر] صلاحیت [رسیدگی] ندارد و این دادگاه هم که برای مجازات کردن قانونی ندارد؛ پس تکلیف چیست؟!

آقای صافی گلپایگانی: هیچ، به ما مربوط نیست.

آقای مهدی هادوی: چرا، به اصل (۱۶۹) قانون اساسی برمی‌گردد [که می‌گوید:] «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود». با

این قانون، [تا زمانی که مجازاتی برای جرایم تعیین نشده است]، اگر کسی آدم کشت، جرم نیست؛ چون این دادگاه که هنوز مجازاتی برای آن معین نکرده و صلاحیت آن دادگاه [قبلی] هم که اصلاً نقض شده است. طبق قوانین قبلی رأی می‌دهند؟!]

آقای محسن هادوی: نه، نمی‌شود.

آقای صالحی: گفته‌اند: طبق موازین شرعی باید رأی بدهند، نه طبق آن قوانین.

آقای مهدی هادوی: پس اول باید معلوم شود که منظورشان موازین شرعی است یا طبق قوانین قبلی. ما که می‌خواهیم قانونی را تأیید کنیم، باید مشخص کنیم که این دادگاه تا زمانی که آن مجازات‌ها تصویب نشده است، طبق کدام قانون رأی بدهد؟ طبق قوانین قبلی؟ اگر منظور این است، پس همین را در صورت جلسه‌ی ما بنویسید تا اگر بعداً اشکالی پیش آمد، نظر ما رفع اشکال کند. چون تا مجازات‌ها معین نشود، آن قانون را نمی‌توان اجرا کرد. اما من می‌خواهم اضافه کنم که منظور، آن قانون نیست و این صرفاً مسئله‌ی تأیید صلاحیت نیست؛ برای اینکه در ماده‌ی (۲) می‌گوید: «در مواردی که کیفر مجرم اعدام و یا نقص عضو باشد، باید کیفرخواست در محضر مجتهدی عادل که دارای شرایط کامل قضا است، عنوان گشته و کیفر به حکم او صادر می‌شود. تشخیص صلاحیت به عهده شورای عالی قضایی است.» این ماده مجازات را می‌گوید و [بحثش] فقط تعیین صلاحیت نیست. منظور این است که بر طبق آن صلاحیت‌ها حکم [شرعی] بدهد و این حکم شرعی را شما رد کردید. گفتیم که بر اساس اصل (۳۶) قانون اساسی باید مدون باشد.

من این استدعا را دارم که کاری کنیم که در مملکت قانون [حاکم] باشد. وقتی قانون باشد، امنیت به وجود می‌آید و مردم اعتماد پیدا می‌کنند و می‌دانند که تکلیفشان چیست. اما اگر مردم از تکلیفشان مطلع نباشند، خطرناک است.

آقای محسن هادوی: اولاً این قانون به قانون شورای انقلاب اشاره کرده و همان‌طور که جناب عالی فرمودید، اگر واقعاً آن دفعه اشتباه کرده‌ایم و یک قانون خلاف شرع را قبول کرده‌ایم، حالا باید برگردیم. اگر [هم که] اشتباه نکرده‌ایم، حالا با علم [به موضوع] تأیید کنیم.

ثانیاً آقای هادوی فرمودند و بنده هم عرض کردم که [برای این جرایم] باید قانون مجازات [تدوین شود؛ وگرنه] هرج و مرج خواهد بود و هرج و مرج هم برخلاف نظر

رهبر است. رهبر انقلاب اسلامی بارها تأیید کرده‌اند که در این قانون اساسی خلاف شرع نیست؛ ولی من نگاه می‌کنم می‌بینم که آقایان به این قانون اساسی، که خلاف شرع در آن نیست، اعتنا ندارند. می‌بینم که آن را ساده می‌گیرند و می‌گویند اگر تجاوزی از آن شد، اشکالی ندارد.

خب! من حرفی ندارم. اگر این قانون اساسی واقعاً در چشم ما اعتبار ندارد، پس چرا آمدیم به ملت گفتیم که ما نگهبان آن هستیم و اگر هم باید نگهبانی کنیم، پس چرا در نگهبانی مان سستی می‌کنیم؟ نگهبان که نباید سست باشد. وقتی که ما می‌بینیم چیزی خلاف قانون اساسی است، باید جلوی آن را بگیریم.

همان‌طور که جناب آقای دکتر آراد و جناب آقای هادوی توضیح دادند، [مطالب] خلاف [قانون] زیادی در این [مصوبه] هست و قابل تأیید نیست.

آقای صافی کلپایگانی: اولاً بنده از طرف رهبر - با اینکه از شما و ایشان وکالت ندارم - تشکر می‌کنم که این‌گونه حسن نیت ایشان را تقریر می‌کنید! بعضی از مسائلی که مربوط به حوزه‌ی عمل و مصلحت‌اندیشی است و شما فرمودید، ممکن است صحیح باشد، ولی ما نمی‌توانیم در آن مسائل وارد شویم. [چیزهایی هست] که خلاف شرع است؛ مجتهد اگر چنانچه قاضی شد، نمی‌توان به او گفت که طبق قانون مدون عمل کن.

آقای مهدی هادوی: پس قانون اساسی را کنار بگذاریم!

آقای صافی کلپایگانی: ممکن است در آنجا [چیز دیگری] نوشته شده باشد، ولی مجتهد طبق رأی خودش عمل می‌کند؛ مگر اینکه بگوییم مجتهد قاضی نشود.

آقای مهدی هادوی: قانون اساسی را مجتهدین تصویب کرده‌اند.

آقای صافی کلپایگانی: بله، چون مجتهد تصویب کرده، ملتفت اینها بوده است.

آقای مهدی هادوی: خب، آنها [= خبرگان قانون اساسی] گفته‌اند مدون باشد.

آقای جنتی: [همان‌ها] اصل (۴) قانون اساسی را هم نوشته‌اند.

آقای صافی کلپایگانی: بله، اصل (۴) را هم نوشته‌اند. آن لفظ «مدون» را برای قضات مأذون^(۱) می‌توانیم بگوییم؛ اما [در اینجا] می‌گوید: در حضور مجتهد [مطرح شود]. مثلاً اگر در یک محاکمه نظر خود امام [به‌عنوان مجتهد] این است که این شخص باید

۱. قاضی غیرمجتهد یا قاضی مجتهد متجزی که از سوی مجتهد جامع‌الشرایط اجازه‌ی قضاوت دارد، در مقابل قاضی مطلق که مجتهد جامع‌الشرایط است، قرار می‌گیرد.

تبرئه شود، ما نمی‌توانیم بگوییم که [چون] مدون [نیست، اشکال دارد].

آقای مهدی هادوی: امام قانون اساسی را معتبر می‌داند؛ [بنابراین] مجتهد دیگر حق ندارد [به اجتهاد خود رأی دهد].

آقای صافی گلپایگانی: می‌خواستیم آن مسئله را درست کنیم. اگر اجازه می‌دهید، در جواب این‌طور بنویسیم ...

آقای صانعی: رأی بر کفایت مذاکرات بگیرید.

آقای محسن هادوی: آقای صالحی، مذاکرات کافی است؟

آقای صالحی: خانه از پای‌بست ویران است.

خزعلی: ایشان می‌فرمایند به‌خاطر اینکه فعلاً قانون مدون فارسی وجود ندارد و ترجمه است، اگر صلاحیت دادگاه انقلاب را تأیید کنیم، هرج و مرج می‌شود. در حالی که اولاً صلاحیت دادگاه قبلاً تصویب شده است و ثانیاً، این قاضی موظف است کوشش کند - البته این مربوط به دعوا است، مربوط به جنایات نیست - که اگر در دعوا حکمی را مدون نیافت، به منابع شرعی رجوع کند.^(۱) راجع به موضوعات دیگر هم ساکت است. قانون اساسی که جلوگیری نکرده است. ما در اینجا ...

آقای مهدی هادوی: اصل (۳۶) جلوگیری کرده است.^(۲)

خزعلی: اگر اصل (۳۶) باشد که بهتر است! گفته است که باید طبق قانون باشد؛ [قاضی] هر جا قانونی نیافت، باید به اصل شرعی رجوع کند. اگر قانون را می‌یابد که [هیچ] اگر نمی‌یابد، باید به اصول شرعی رجوع کند.

آقای محسن هادوی: آقای صافی، من عرض دارم.

آقای صافی گلپایگانی: نیست آقا!

آقای محسن هادوی: می‌خواهم جواب بدهم.

آقای صافی گلپایگانی: خلاف شرع می‌گویید. اینکه نمی‌شود که کسی الآن لواط کرده، [ولی

۱. اصل (۱۶۷) قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

۲. اصل (۳۶) قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد.»

چون] فردا قانونش [تصویب می‌شود،] بگوییم: [چون قانون مدون ندارد، مجازات] نمی‌شود. این درست نیست. حالا آقایانی که با کفایت مذاکرات موافق هستند، دستشان را بلند کنند.

آقای مهربور: هفت رأی شد.

آقای صافی گلپایگانی: «رسیدگی به جرایم مربوط به حدود و دیات و قصاص، مشروبات الکلی و مواد مخدر در صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب است.» آقایانی که این را مغایر با قانون اساسی می‌دانند، دستشان را بلند کنند.

آقای مهدی هادوی: آقای صافی، اشکالاتش را در نظر بگیریم. به هزار اشکال [عملی] برمی‌خوریم.

آقای صافی گلپایگانی: نه، نمی‌توانیم ...

آقای مهدوی کنی: اصلاً شما چرا از بند اول رأی نمی‌گیرید؟

آقای صافی گلپایگانی: برای آنها رأی گرفته‌ایم. آقایانی که مغایر می‌دانند، دستشان را بلند کنند. **آقای مهدوی کنی:** اگر قبلاً هم رأی داده‌ایم، الان دوباره باید رأی بدهیم. وقتی ماده‌ای به اینجا می‌آید، باید به رأی گذاشته بشود. اینکه [بگوییم] قبلاً رأی داده‌ایم، درست نیست. ما روی این [موضوع] بحث داریم.

آقای صافی گلپایگانی: نه، در همان جهتی که ما رد کردیم. ما نوشتیم که سایر مطالب [این قانون] مخالف شرع و موازین قانون اساسی نمی‌باشد. پس ما رأی داده‌ایم و مجلس باید آنجایی را که ما می‌گوییم درست نیست، [اصلاح کند].

آقای مهدوی کنی: حالا اگر این خلاف است، ما باید بگوییم [که دیگر] گذشته است؟

آقای صافی گلپایگانی: نه، نمی‌خواهم بگوییم گذشته است.

آقای مهدوی کنی: پس ما [برای] همان ماده‌ی اول رأی بگیریم. این را که شما قبلاً فرموده‌اید، من چطور امضا کنم؟

آقای صافی گلپایگانی: بنده که [این مصوباتی] را که [مغایرتشان رأی] اکثریت را نمی‌آورد، امضا می‌کنم، [در حالی که] خودم هم مخالف هستم، چه کنم؟!

آقای مهدوی کنی: آن یک بحث دیگر است.

آقای رضوانی: در آنجا اکثریت را می‌نویسید دیگر.

آقای مهدوی کنی: من می‌گویم این چیزی که شما می‌گویید، ممکن است در اینجا دوباره [رأی] اکثریت [را] نیاورد.

آقای صافی کلپایگانی: همین اشکالی که آقای [مهدی هادوی] می‌کرد، خوب است. بنده می‌گویم [که] این [اشکال] را در آخرش بنویسیم «لازم به تذکر است که قانون مصوب شورای انقلاب در بعضی موارد مثل اینکه عضویت نماینده‌ی شورای انقلاب را در دادگاه پیش‌بینی کرده و شورای انقلاب [دیگر] وجود ندارد، قابل اجرا نیست و در بعضی موارد هم - این با رد سابق ما هم اشکال ندارد - مثل اینکه قضاوت را به اکثریت داده است، با موازین شرعی منطبق نیست». و این مربوط به آن [مصوبه] می‌شود، نه این. به این [ترتیب هم نظر خودمان] را گفته‌ایم و هم درست هست. آقایان فقها اگر موافق هستند، [همین را] بنویسیم.

آقای محسن هادوی: آقای صافی، با آن قانون [شورای انقلاب عمل] می‌کند. این [مصوبه] می‌گوید مطابق آن قانون عمل کنید.

آقای صافی کلپایگانی: این را این‌طور بنویسیم؛ چون صورت ظاهر کارمان باید درست باشد و [از لحاظ] شرعی هم باید درست باشد [تا] آنها هم اشکال نکنند.

نکته: در اینجا جلسه‌ی شورا پایان یافته و چنان‌که از ادامه‌ی مذاکرات پیدا است، ظاهراً پیش از برگزاری جلسه‌ی بعدی، نشست با همین موضوع و با حضور اعضای شورای عالی قضایی تشکیل شده است که مذاکرات آن در دست نیست.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض
بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سبانه‌ای است.
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمرنی،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir